هدف اصلی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس حفظ خرده‌فرهنگ‌ها است

محمد کلهر
مدیر روابط عمومی معاونت میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

اوایل تیرماه، ایران به ریاست شورای حکام میراث ناملموس آسیای غربی و مرکزی انتخاب شد. میراث فرهنگی ناملموس، برخلاف میراث فرهنگی ملموس، میراثی پویاست که با حرکت جوامع و اقوام همراه است و بخشی از میراث بشری است که نیاز به تلاش عملی برای پاسداری دارد. در سال‌های اخیر، پژوهش و معرفی میراث ناملموس کشورها مورد توجه قرار گرفته است. افتتاح مرکز مطالعات منطقه‌ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای غربی و مرکزی تحت نظارت یونسکو در سال ۲۰۱۰ در ایران، با هدف تقویت ظرفیت‌ها و همکاری در منطقه برای شناسایی، فهرست‌برداری، مستندسازی و مطالعه میراث فرهنگی ناملموس برای ایجاد زمینه مشارکت به منظور پاسداری از میراث ناملموس صورت گرفت، اما چند سالی این مرکز با مشکلاتی روبه‌رو بود که از سال گذشته با درایت وزارت میراث فرهنگی و همکاری بخش‌های دیگر این مشکلات برطرف شد. دکتر مرتضی رضوانفر، عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در گفت‌وگویی، درباره اهمیت و مأموریت مرکز مطالعات منطقه‌ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای غربی و مرکزی به نکاتی اشاره کرد که می‌خوانید:

● میراث ناملموس و شکل‌گیری کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس توسط یونسکو چه اهمیتی دارد؟

طی دهه‌های گذشته، بسیاری از کشورهای جهان با معضلی به نام خشونت روبه‌رو بودند. کارشناسان پس از آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی موضوع در کشورهای مختلف یونسکو، به این نتیجه رسیدند که بی‌هویتی و همگنی فرهنگی باعث تقویت احساس پوچی و بالطبع خشونت در ملت‌ها شده است. منظور از همگنی، یک شکل شدن است؛ همه جهانیان در پوشش و خوراک مشترک شده‌اند؛ قهرمان‌ها شبیه هم و حتی آرزوهای بشر مثل هم شده است که چنین برآیندی، غالباً محصول ذائقه‌سازی غربی‌ها بویژه امریکاست.

در برابر این بی‌هویتی، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس شکل گرفت. کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یکی از ۷ کنوانسیون یونسکو است که در عرض یک سال بیش از ۱۲۰ کشور به این کنوانسیون ملحق شده‌اند؛ هیچ کنوانسیون دیگری اینقدر جذابیت نداشت که در سال اول این همه عضو بگیرد.

مهم‌ترین ایده کنوانسیون مزبور، حفظ خرده‌فرهنگ‌هاست؛ خرده‌فرهنگ‌هایی که در دوره مدرنیته همه از آن دوری می‌کردند، مثلاً نمی‌خواستند لباس محلی بپوشند یا به گویش محلی تکلم کنند. مادران که بزرگ‌ترین حافظان میراث ناملموس هستند، با تربیت و تشویق فرزندان به مدرن شدن، در یک دوره بزرگ‌ترین دشمنان میراث ناملموس شدند که نتیجه و آسیب آن، بی‌هویتی و نیاز به یافتن هویت‌های جدید و افزایش خشونت شد. بنابراین، هدف اصلی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس این است که بتواند خرده‌فرهنگ‌ها را حفظ کند و به نسل‌های آینده انتقال دهد تا به مرور این ارزش‌ها مجدداً مطرح شده و به جایگاه اصیل و ارزشمند خود بازگردند.

● پیشینه شکل‌گیری مرکز حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس در ایران به چه زمانی بازمی‌گردد؟

پس از درک ضرورت موضوع، یونسکو اجازه داد تعدادی مرکز منطقه‌ای شکل بگیرد؛ ایران هم درخواست تأسیس مرکز را داد که از یونسکو بازرسانی به عمارت مسعودیه آمدند و توانایی‌های ایران را از نزدیک مشاهده و گزارشی ارسال کردند که شگفت‌زدگی مسئولان وقت یونسکو از توانایی ایران برای مستندسازی و آرشیو حوزه‌های ناملموس را در پی داشت. در آن زمان، مردم‌نگاری حدود ۴۰۰ شهر و جمع‌آوری گویش‌های هزاران روستا طی ۱۸ سال به صورت مستند انجام گرفته بود و دفتر منطقه‌ای میراث ناملموس مجوز تأسیس گرفت و مرکز در خرداد ۱۳۹۰ با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان راه‌اندازی شد.

وظیفه این مرکز، پژوهش در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس است؛ بنابراین باید سراغ فعالیت‌هایی برویم که در راستای ارتباط‌گیری بیشتر با ۲۳ کشور منطقه‌ای است؛ باید بتوانیم ارتباطاتمان را گسترش دهیم، تبادل استاد و دانشجو در حوزه حفاظت از میراث ناملموس داشته باشیم؛ مثلاً در موضوعات طب سنتی، موسیقی محلی، صنایع دستی، پوشاک، خوراک و... دوره‌هایی را برگزار کنیم که بسیاری از آنها می‌تواند به صورت مجازی و اینترنتی پوشش داده شود.

● در میراث ناملموس و مشترک، گاهی جبهه‌گیری‌هایی علیه کشور ما وجود دارد. چطور این تعارض را می‌توان رفع کرد؟

قرن‌هاست که پژوهشگرها و نویسندگان برخی کشورهای همسایه، با افتخار خیلی از عناصری را که در کشورشان است، به اسم عناصر ایرانی معرفی کرده‌اند، حتی پژوهشگران بومی و محلی افتخارشان این بود که زیر سایه فرهنگ و مواریث ایران هستند. اما اکنون چون امکان مخالفت با پیشینیان خود را ندارند، مجبورند برخی عناصر تاریخی خودشان را پوشش ندهند و مخفی کنند. بنابراین شاید اگر ما هم جای آنها در کشور همسایه بودیم، تلاش می‌کردیم خودمان را از زیر سایه ایران بیرون بکشیم و هویت مستقل پیدا کنیم. من کار آنها را عیب نمی‌دانم، اینکه از روش‌های غیرمنطقی استفاده می‌شود را عیب می‌دانم؛ نظیر دروغ‌پردازی و زیر سؤال بردن ایران هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی.

اولین قدم برای رفع مشکل، دادن سهم طرف مقابل است. به عنوان مثال من هر جایی نمایشگاه یا کارگاه می‌گذارم، نمی‌گویم میراث مشترک بین ایران و فلان کشور، می‌گویم میراث مشترک بین فلان کشور و ایران تا طرفی که با ما نمایشگاه برپا کرده است به ما اعتماد پیدا کند و بداند قصدمان حذف آنها نیست. ضمن اینکه، آن کشور در میراث مشترک مطمئناً سهم بزرگی در منطقه خود داشته است، مثلاً در شبه‌قاره که از خاک و آجر سرخ خیلی استفاده می‌شود، خیلی از بناهایی که ساخته شده و به عنوان یک بنای مشترک مطرح می‌شود، مواد اولیه، سازنده و حتی خالق کتیبه فارسی، بومی‌های منطقه بوده‌اند لذا باید سهم طرف مقابل را در نظر داشته باشیم و بی‌انصافی است اگر بخواهیم آنها را حذف کنیم. بنابراین باید بگوییم طرح، طرح ایرانی است اما عناصر مربوط به بنا، بومی و محلی است.

گام دیگر برای رفع تعارض، برجسته‌کردن تفاوت‌های بومی است. مثلاً در نوروز به عنوان میراث مشترک ایران و کشورهای همسایه، می‌توان روی تفاوت‌ها در سفره‌ها، مراسم و نحوه برگزاری آنها تأکید کرد که بین ما و آنها متفاوت است.

یکی دیگر از راهکارها این است که باید به هر محله و منطقه، سهم جدا اختصاص دهیم؛ به همین دلیل است که یونسکو اصرار دارد پرونده‌ها را کوچک کنیم، چون معتقد است که در موضوع هویت، وقتی کل کشور را در نظر می‌گیریم، مردم خودشان را کنار می‌کشند و حفظ و حراست از آن را وظیفه دولت می‌دانند ولی وقتی به اسم یک روستا موضوعی ثبت می‌شود ـ مثلاً مشهد اردهال ـ مردم آن روستا حافظ آن سنت هستند، بدون اینکه چشمداشتی از دولت یا کشورهای دیگر داشته باشند. حتی تهیه پرونده در اندازه یک خانواده، بسیار مهم است چون وقتی برای مثال هنری به نام خانواده ثبت و معرفی شود، مطمئن باشید این عنصر و هنر، نسل‌به‌نسل طی قرن‌ها زنده می‌ماند چون هویت آنها می‌شود و نمی‌گذارند نابود شود.

● بنابراین شما ایرادی در ثبت مواریث مشترک با دیگر کشورها نمی بینید ؟

خیر، ما در حوزه کشورها باید به این سمت برویم. مثلاً اگر یک عنصر که ما ثبت کردیم و یک کشور دیگر خواست آن را ثبت کند، باید تأکیدمان در تفاوت‌ها باشد، نه اینکه اصلاً سراغ ثبتش نرویم. ما نمی‌توانیم جلوی ثبت مشترک را بگیریم و نباید هم بگیریم؛ نه مشترک و حتی ثبت مجزا! چون آن کشور یک زمانی بخشی از کشور ما بوده و طبیعی است که آن عنصر ـ مثلاً چوگان ـ را دارد. مثلاً آذربایجان آیین پهلوانی دارد ولی در محوطه باز است و گود زورخانه ندارد. هدف یونسکو هم حفظ تنوعات فرهنگی است، نه ارزش‌بخشی به کشورها. بنابراین به استقبال پرونده‌هایی می‌رود که از یک عنصر، تنوع‌های متفاوت استخراج کند. به نظر من یکی از راه‌های کم‌کردن تنش، تأکید بر تفاوت‌هاست مثل نوروز که هر کسی با هر زبان و آیینی سعی می‌کند حفظش کند. نوروز برآمده از فرهنگ فارسی است اما کشورها در جزئیاتش نظیر سفره هفت‌سین، موسیقی و... تفاوت دارند و باید آن را برجسته کنیم. با تکیه‌کردن روی تفاوت‌ها، کشورها احساس می‌کنند هویت مستقل پیدا کرده‌اند.

همان روشی که ایران اخیراً در پیش گرفته است و سال گذشته موفق به ثبت ۴ پرونده شدیم؛ در حالی که بدون تعامل با کشورهای دیگر، این امکان وجود نداشت و هر دو سال یک بار نوبت به یک پرونده ما می‌رسید. اگر عناصر مشترک را با بیان تفاوت‌ها معرفی کنیم، آن کشور هم به دنبال این نمی‌رود که یک موضوع مشترک را به نام خودش ثبت کند تا مردم را عصبانی سازد و رسانه‌ها را به جان هم بیندازد و دولت‌ها مجبور به ورود شوند؛ چون می‌بینند برای معرفی فرهنگ آنها پیشدستی کردیم و این روشی است برای کم کردن تنش‌ها.